



Research Article
**A Sociological Explanation of Arbaeen Pilgrimage
and Its Social Functions**

Shamsollah Mariji¹

Received: 04/09/2022

Accepted: 03/10/2022

Abstract

Imam Hossein's Arbaeen Pilgrimage, from the 40th day of martyrdom in the first year after the tragic and terrible incident with Jabir Ibn Abdullah Ansari's pilgrimage, with the support of the speech and behavior of the Infallible Imams, gradually became one of the influential elements in Shia culture, and after nearly fourteen centuries, it has been considered as one of the social norms was raised in Shia and Islamic societies. This pilgrimage has become more popular in the last decade, to the extent that today we see the presence of the followers of Abrahamic religions among the Arbaeen pilgrims. Undoubtedly, the study of this huge social event with multiple approaches can reveal its hidden material and spiritual benefits for human and religious society, especially Shia. In this paper, the author has examined this social truth with a sociological approach, with a documentary method and using evidence and objective data in order to first identify the sociological aspects of this important and lasting pilgrimage and then depict its important social functions so that maybe he can take a small step in making people identify this enlightening truth and of course put his name in the list of Imam Hossein lovers and Arbaeen pilgrims, God willing.

Keywords

Pilgrimage, Arbaeen, sociological, social functions, Arbaeen walking.

1. Professor, Department of Social Sciences, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. mariji@bou.ac.ir.

* Mariji, S. (1401 Ap). A Sociological Explanation of Arbaeen Pilgrimage and Its Social Functions. *Journal of Islam and Social Studies*, 10(38), pp. 8-32. DOI: 10.22081/JISS.2022.64819.1951.

Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مقاله پژوهشی

تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن

شمس‌الله مریجی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

چکیده

زیارت اربعین حسینی علیه السلام، از همان اولین چله پس از حادثه غمبار و دهشت‌انگیز با زیارت جابر بن عبدالله انصاری، به پشتوانه گفتار و رفتار ائمه معصوم علیهم السلام به تدریج در فرهنگ شیعی به‌عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار جای گرفت و پس از نزدیک به چهارده قرن، به‌عنوان یکی از هنجارهای اجتماعی در جوامع شیعی و اسلامی مطرح شد. این زیارت در دهه اخیر نیز عمومیت بیشتری پیدا کرده است، تا جایی که امروزه شاهد حضور پیروان ادیان ابراهیمی، در جمع زائران اربعین هستیم. بی‌تردید مطالعه این واقعه عظیم اجتماعی با رویکردهای متعدد می‌تواند پرده از آن بردارد و فوائد مادی و معنوی پنهان آن را برای جامعه بشری و دینی، به‌ویژه شیعی آشکار کند. نگارنده در نوشتار پیش رو، این حقیقت اجتماعی را با رویکرد جامعه‌شناختی، با روشی اسنادی و بهره‌گیری از اسناد شواهد و داده‌های عینی، بررسی کرده است، تا ابتدا و جوه جامعه‌شناختی این زیارت مهم و ماندگار را شناسایی کند و سپس کارکردهای اجتماعی مهم آن را به تصویر بکشد تا شاید بتواند در شناساندن این حقیقت نورانی قدم کوچکی بردارد و صد البته در دفتر مجبان حسینی و زائران اربعین ثبت نام کرده باشد، انشاءالله.

کلیدواژه‌ها

زیارت، اربعین، جامعه‌شناختی، کارکردهای اجتماعی، پیاده‌روی اربعین.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، قم، ایران.

* مریجی، شمس‌الله. (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی زیارت اربعین و کارکردهای اجتماعی آن. فصلنامه علمی - پژوهشی

DOI: 10.22081/JISS.2022.64819.1951

اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰(۳۸)، صص ۸-۳۲.

مقدمه

در اینکه آیا اربعین حسینی علیه السلام را به عنوان یک واقعه‌ای تاریخی و اینکه آیا اساساً تاریخ را با رویکردی جامعه‌شناختی می‌توان بررسی کرد یا نه، چهار دیدگاه وجود دارد. دیدگاه نخست بر نبود ارتباط میان دو علم تاریخ و جامعه‌شناسی تأکید می‌ورزد و معتقد است اینکه در گذشته چه وقایعی اتفاق افتاده و چه شخصیت‌هایی بوده‌اند، ارتباطی به حال ندارد و با منفک‌دانستن تاریخ از جامعه‌ای که در آن زیست می‌شود، به نوعی امتداد اجتماعی را منکر می‌شود و در نتیجه تحلیل حوادث امروز با نگاه به گذشته را نمی‌پذیرد؛ برای مثال مردم‌شناس فرانسوی «لوی استروس» بر عدم رابطه جامعه‌شناسی با تاریخ تأکید می‌ورزد. وی فرهنگ و قانون هر جامعه را مختص به خودش و جوامع را متباین بالذات می‌داند؛ بدین جهت تسری دادن فرهنگ و قانون یک جامعه به دیگر جوامع را در صورت عدم ارتباط متقابل، ناممکن برمی‌شمرد (استروس، ۱۳۵۸، صص ۶۳-۶۷).

دیدگاه دوم نه تنها به رابطه میان تاریخ و جامعه‌شناسی اذعان دارد، بلکه پا را از آن فراتر گذاشته، تاریخ را پدر علم جامعه‌شناسی و ابزار شناخت جوامع بشری می‌داند و بدون وجود آن جامعه‌شناسی را ناقص می‌شمارد؛ بنابراین برای تجزیه و تحلیل رفتار حال جوامع باید تاریخ و گذشته آنها تبیین شود؛ در غیر این صورت جامعه‌شناسی بدون ابزار خواهد بود.

دیدگاه سوم جامعه‌شناسی را بر تاریخ و سایر علوم انسانی مقدم دانسته و معتقد است علوم دیگر تابع جامعه‌شناسی هستند (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص ۵۳)؛ به این معنا که اگر جامعه‌شناسی نباشد، تحلیل و تبیین در سایر علوم مختل خواهد شد؛ مثلاً تاریخ متکفل بیان وقایع است و این وقایع نیز همانند اعداد پراکنده، شبیه دانه‌های تسیح هستند که هیچ انسجام و به هم پیوستگی ندارند؛ چون صرف وجود دانه‌ها برای ساخت تسیح کافی نیست، بلکه باید نخ باشد که یک خط اتصالی میان دانه‌ها ایجاد کند و تسیح شکل بگیرد؛ یعنی علم جامعه‌شناسی به داده‌های تاریخی، ساختار می‌دهد و آن را نظام‌مند و زمینه بهره‌گیری از آن را مهیا می‌کند.

دیدگاه چهارمی نیز مطرح است که بر ارتباط تاریخ و جامعه‌شناسی تأکید می‌ورزد.

در این دیدگاه بین علم جامعه‌شناسی و علم تاریخ، رابطه دوسویه برقرار می‌شود و به جای تأکید بر تباین و تضاد یا رابطه یک‌سویه، نوعی هم‌افزایی و هم‌پوشانی حاکم است، اینکه تاریخ را بخوانیم، بازسازی، بازخوانی و تحلیل داشته باشیم، تا حال و آینده را بسازیم؛ همان‌گونه که آیت‌الله جوادی آملی تاریخ را در صورتی مفید شمرده‌اند که امتداد اجتماعی و تحلیل رفتار جوامع را به دنبال داشته باشد. با همین نگاه، امروزه بحث امتداد اجتماعی در فقه نیز مطرح می‌شود (جوادی آملی، بی‌تا).

از منظر برخی از جامعه‌شناسان سکولار، بررسی و تحلیل مراسم اربعین در مباحث جامعه‌شناسی نمی‌گنجد؛ چون مبنای تحلیل آنان این جهانی است و مبتلا به تقلیل‌گرایی می‌شوند؛ چون تلاش دارند رفتارها و کنش‌ها را به دو دسته کنش‌های معطوف به هدف مادی و کنش‌های هیجانی خلاصه کنند. آنان می‌گویند هرچه هست، در همین دنیاست؛ بنابراین کنش‌های معطوف به هدف انسان‌ها را این جهانی تلقی می‌کنند، نه اهداف ماورایی. این دیدگاه ریشه در تفکر الحادی نیچه دارد و به گمان او خدا مرده است؛ اما کنش اربعینی عاشقان سیدالشهدا علیه السلام در حقیقت خط بطلانی است بر رویکردی که تکیه بر مبانی نیچه‌ای دارد؛ چون حرکت عظیم اربعین فریاد «خدا زنده است» را احیا می‌کند؛ این فریاد تمام مبانی تفکر سکولاریسم را به چالش می‌کشد.

به اعتقاد نگارنده، زیارت اربعین به‌عنوان یک واقعه تاریخی از یک سو، زیارت جمعی و به‌صورت راهپیمایی در ایام اربعین، امروزه به صورت یک کنش معطوف به هدف، آن هم هدفی والا و الهی، ماهیت و بن‌مایه فکری جامعه‌شناسی سکولار را به چالش کشیده است؛ به همین جهت برخی از محققان اجتماعی سکولار تلاش دارند تا در مراکز علمی و آکادمیک چنین القا کنند که این‌گونه مراسم‌ها در ظرف مباحث جامعه‌شناسی نمی‌گنجد؛ درحقیقت جامعه‌شناسان سکولار به دلیل عدم توان تحلیل این واقعه اجتماعی عظیم، به دنبال پاک کردن صورت مسئله هستند. با توجه به سببه سکولاری جامعه‌شناسی در کشور، عدم بررسی و تحلیل و بایکوت کردن مراسم پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک کنش و پدیده عظیم اجتماعی، در واقع نوعی فرار کردن از مسئولیت علم جامعه‌شناسی است.

به هر تقدیر در نوشتار پیش رو، نگارنده که خود یکی از دانش‌آموختگان علوم اجتماعی است، بر این باور است نه تنها در قابلیت تحلیل جامعه‌شناختی این واقعه تاریخی شکی نیست، بلکه سعی دارد آن را با رویکردی جامعه‌شناختی بکاود و بخشی از کارکردهای اجتماعی آن را بازنمایی کند؛ به همین منظور لازم است در قدم نخست به اصل این زیارت، ماهیت و اهمیت آن از دیدگاه ائمه معصومین علیهم‌السلام توجه شود.

۱. اربعین عنصر شناختی فرهنگ^۱

بی‌تردید زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام نسبت به سایر ائمه علیهم‌السلام مورد عنایت ویژه ائمه و به تبع آن شیعیان بوده است؛ حال اگر این زیارت پیاده باشد، به شهادت امام صادق علیه‌السلام فضیلت آن دوچندان خواهد بود؛ آنجا که حضرت به حسین بن ثویر بن ابی‌فاخته می‌فرماید: ای حسین! هر کس پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام از خانه خود بیرون رود، خداوند به هر گامی که برمی‌دارد، یک پاداش نیک برایش ثبت می‌کند و یک گناهش را می‌آمرزد و وقتی به حرم آن حضرت برسد، خداوند او را از مصلحان و برگزیدگان قرار می‌دهد و چون اعمال زیارت را به پایان رساند، نام او را در زمره رستگاران می‌نویسد و هنگام بازگشت نیز فرشته‌ای می‌آید و به او می‌گوید رسول خدا به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: کار خود را از سر بگیر که گناهان گذشته‌ات آمرزیده شده است (ابن قولویه، ۱۳۹۹، بخش ۴۶).

اساساً زیارت اربعین را نباید تنها از منظر تاریخی در نظر گرفت؛ چون حقیقتاً صرفاً یک واقعه تاریخی نیست، بلکه دارای بن‌مایه معرفتی و شناختی است که جنبه هویت‌سازی آن می‌تواند موضوع تحقیق مهمی در علوم اجتماعی باشد و محقق اجتماعی با رویکردی جامعه‌شناختی می‌تواند از شهد شیرین معرفتش نوش کند و در اختیار مشتاقان قرار دهد. نکته قابل توجه و البته تأمل‌برانگیزی که نگارنده بر آن تأکید

۱. بی‌تردید زیارت اربعین به‌عنوان عنصر شناختی فرهنگ خود دارای عناصر شناختی فراوانی است: اعتقاد به ولایت و امامت، عشق به امام حسین علیه‌السلام و کربلا، تجلی اهداف امام حسین علیه‌السلام، توجه به آثار اخروی زیارت و ...؛ البته بیان تفصیلی آن خود نیاز به یک تحقیق مستقل دارد.

دارد، این است که با توجه به روایت معروف امام حسن عسکری علیه السلام، شاید بتوان ادعا کرد زیارت اربعین از زمان آن امام همام به بعد در فرهنگ شیعه به عنوان یک عنصر برجسته یا حداقل یک نماد ماندگار مطرح شده است؛ چه اینکه از نظرگاه امام عسکری علیه السلام، زیارت اربعین یکی از علائم پنج گانه هویت شیعی شناخته شده است؛ آنجا که می فرماید: «علامات المؤمن خمس، صلاة الخمسين، و زیارت الاربعین، والتختم فی الیمین، و تعفیر الجبین، و الجهر ببسم الله الرحمن الرحیم» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۴، باب ۵۶، ص ۴۷۸، ح ۱۹۶۴۳)؛ البته در جای خود روشن شده است که منظور حضرت از مؤمن در این روایت شیعه است. شیخ مفید در کتاب مزار (شیخ مفید، ۱۴۰۹ق، ص ۵۲) و شیخ طوسی در دو کتاب تهذیب الاحکام (شیخ طوسی، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۵۲، ح ۲۰۱ب) و مصباح المتهجد (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۸) با تمسک به همین روایت، فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین را ردیف «فضل زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا» قرار داده است.

زیارت اربعین در رویکرد جامعه‌شناسانه در حوزه فرهنگ قرار می‌گیرد. فرهنگ دارای سه عنصر شناختی، مادی و قواعد سازمانی است. جنبه شناختی‌اش، شامل ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و دانش‌ها و جنبه مادی فرهنگ، شامل مهارت‌های فنی هنرها، ابزار و وسایل و اشیای مادی دیگری است که اعضای آن جامعه از آن استفاده می‌کنند و قواعد سازمانی فرهنگ شامل مقررات، نظام‌ها و آیین‌هایی است که انتظار می‌رود اعضای گروه هنگام فعالیت‌های روزمره زندگی از آن پیروی کنند. برای روشن شدن جایگاه زیارت اربعین در میان عناصر فرهنگی باید دید این واقعه چه نقشی در رفتار فردی و اجتماعی و اساساً قوام جامعه دارد و با توجه به نقش و وظیفه‌ای که بر عهده دارد، جزو کدام لایه از لایه‌های فرهنگی در فرهنگ شیعه است. با توجه به دیدگاه نظری علمای دینی به‌ویژه شیعه که البته ریشه در گفتار و رفتار ائمه معصوم علیهم السلام دارد، زیارت اربعین را باید در شمار ارزش‌های فرهنگ شیعه قرار داد و نقش آن نیز خارج کردن افراد از تحیر و اعوجاج در رفتار فردی و اجتماعی است؛ در این صورت، از دیدگاه جامعه‌شناختی، این زیارت جزو لایه زیرین فرهنگ خواهد بود؛ چون از نظر آنها فرهنگ، دارای لایه‌های متعدد است. ارزش‌ها که هدایتگر رفتار یا به تعبیر دیگر

چراغ هدایت رفتار اعضای جامعه‌اند، لایه زیرین فرهنگ‌اند و درحقیقت قوام جامعه به قوام آن خواهد بود. ارزش‌ها یا همان لایه زیرین فرهنگ، نه تنها موتور متحرک جمع و جامعه‌اند، بلکه تنوع و تعدد رفتار فردی و اجتماعی کاملاً وابسته به ماهیت و بنیان ارزش‌ها است.

برای تبیین این امر از بیان آیت‌الله جوادی آملی، بهره می‌گیریم. ایشان معتقد است امام حسن عسکری علیه السلام که فرمودند نشانه‌های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز ۵۱ رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشتر در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلندگفتن بسم الله الرحمن الرحیم، مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسئله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین» نشان می‌دهد مقصود امام عسکری علیه السلام اربعین معروف و معهود نزد مردم است. اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بر پایه این روایت، همان‌گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است؛ به دیگر سخن، براساس فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، عصاره رسالت نبوی صلی الله علیه و آله قرآن و عترت است؛ عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری علیه السلام در کنار هم ذکر شده‌اند؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کنند. درباره نماز، ذات اقدس الهی، معارف فراوانی را ذکر کرده است؛ مثلاً فرموده است: انسان فطرتاً موحد است؛ ولی طبیعت او به هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین از خیر جلوگیری می‌کند، مگر انسان‌های نمازگزار که آنان می‌توانند این خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هلع، جزوع و منوع‌بودن به درآیند و مشمول رحمت‌های خاص الهی باشند: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعاً * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً * وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً * إِلَّا الْمُصَلِّينَ». زیارت اربعین نیز انسان را از جزوع، هلع و منوع‌بودن باز می‌دارد و گفته شد که هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است و در این راه، هم از طریق بیان و بنان اقدام کرد و هم از راه بذل خون جگر که

جمع میان این راه‌ها از ویژگی‌های ممتاز آن حضرت علیه السلام است (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۲۷).
 با بیان عالمانه علامه جوادی آملی روشن شد این زیارت جنبه شناختی دارد و یکی از عناصر شناختی فرهنگ است و نقش آن در جامعه انسانی هدایتگری رفتار فردی و اجتماعی است و به زبان جامعه‌شناختی درحقیقت یکی از لایه‌های زیرین فرهنگ شیعه است؛ بنابراین حتی اگر جابر بن عبدالله انصاری به همراه غلامش عطیه^۱ به کربلا نمی‌آمد، باز هم زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین مستحب بود؛ گرچه جابر هم یقیناً آمده است؛ چون مفاد زیارت جابر بسیار والا است و معارف عالی دارد و مضمونی است که کاملاً با عمق عقاید شیعه منطبق است و نشان از کمال معرفت جناب جابر بن عبدالله انصاری دارد و بعید نیست که جابر بن عبدالله، هم اصل زیارت را و هم توصیه به زیارت در روز اربعین را از ائمه گرفته باشد و از این رو سعی کرد تا خود را در اربعین به کربلا برساند.

۲. پیاده‌روی اربعین، هنجاری اجتماعی

با توجه به تعریف جامعه‌شناسان، فرهنگ مجموعه‌ای است منسجم از عناصر متعدد که غالب افراد جامعه آن را پذیرفته‌اند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. یکی از عناصر مهم و بنیادی آن ارزش‌ها هستند؛ چون ارزش‌ها، باورداشت‌های ریشه‌داری هستند که اعضای جامعه یا گروه هنگام برخورد با پرسش‌ها درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و امور مطلوب، آنها را در نظر می‌گیرند (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۴۸). درحقیقت ارزش‌ها نقش هدایتگری افراد را در جامعه بر عهده دارند. در مجموعه منسجم فرهنگ نیز سایر عناصر فرهنگی مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر آن است و با تکیه بر آن لباس وجود بر تن کرده و به‌عنوان هنجار فردی یا اجتماعی در جامعه رخ می‌نمایاند. نکته قابل توجه درباره زیارت اربعین این است که این عنصر شناختی فرهنگ شیعه، امروزه پس از تأکید و تأیید ائمه علیهم السلام به‌ویژه امام حسن عسکری علیه السلام عنصر ارزشی با کنش فردی و

۱. عطیه در میان عرب اسم مرد است؛ همان‌طوری که نام غلام جابر عطیه بود.

جمعی شیعیان، در دهه اخیر جنبه عمومی تری پیدا کرده و به زبان جامعه‌شناسی می‌توان گفت تبدیل به یکی از هنجارهای اجتماعی شده است؛^۱ چون مشتاقان سیدالشهداء علیه السلام با حضور میلیونی خود در پیاده‌روی اربعین نه تنها این باور شناختی را از دنیای ذهن در عالم عین متجلی کردند، بلکه آن را به یکی از هنجارهای اجتماعی مهم در فرهنگ شیعی و اسلامی مبدل کردند. حضور سایر فرق اسلامی و حتی مذاهب دیگر در راهپیمایی ایام اربعین در بزرگراه نجف-کربلا و سایر راه‌های منتهی به کربلا می‌تواند به‌خوبی بر این واقعیت گواهی دهد. چون هنجار در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط و کنش اجتماعی را تنظیم می‌کند (ر. ک: رفیع‌پور، ۱۳۷۸، صص ۱۴۹-۱۵۵). هنجارها در حقیقت تجلی‌بخش ارزش‌ها در جامعه هستند؛ یعنی هنجارها سازکار و قواعدی هستند که ارزش‌ها را که امری ذهنی و درونی‌اند، عینی می‌کنند و در خارج لباس وجود بر آنها می‌پوشانند.

همان‌طوری که گفته شد، زیارت اربعین در فرهنگ شیعه عنصری شناختی است. هر عنصر شناختی باید لباس وجود بر تن کند تا سایر عناصر فرهنگی را تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود قرار دهد. صد البته برای آشکار شدن نیاز به قواعد و سازوکاری دارد تا از نهان و نهاد جان به جهان جسم و حیات ظاهر رخ بنام‌آیاند. پیاده‌روی و راهپیمایی مشتاقان حسینی علیه السلام در ایام صفر، در حقیقت یکی از سازوکارهای بسیار مؤثر در هنجارمند کردن این عنصر شناختی است. این هنجار نیز خود دارای کارکردهای آشکار و پنهانی زیادی است که در ادامه برخی از آنها را مرور می‌کنیم:

۳. کارکردهای اجتماعی زیارت اربعین

از دیدگاه جامعه‌شناسان هر رفتار گروهی خود نقش و کارکردی در جامعه دارد که می‌تواند آشکار یا پنهان باشد. اگر در جهت استحکام و پیشرفت یا پیچیده‌تر شدن جامعه

۱. البته ناگفته نماند که زیارت اربعین با توجه به قدمتی که از گذشته دارد به صورت یک رسم و سنت اجتماعی در آمده است و امروزه این سنت گسترش وسیعی پیدا کرده است. بنابراین می‌توان آن را به‌عنوان یکی از هنجارهای اجتماعی در فرهنگ شیعه قلمداد نمود؛ چون هنجار اقسامی دارد رسم یکی از انواع آن است.

باشد، آن را مثبت می‌دانند؛ اما اگر این کارکرد منجر به ازهم‌پاشیدگی و اعوجاج در زندگی گردد، چنین کارکردی را در ردیف کارکردهای منفی قرار می‌دهند. در این بخش از مباحث می‌خواهیم کارکردهای آشکار و پنهان زیارت اربعین را که دارای نقش مثبتی در جامعه اسلامی، بلکه جامعه جهانی است، مورد توجه قرار دهیم.

۳-۱. ایجاد همبستگی اجتماعی

تاریخ زندگی بشر گواهی می‌دهد انسان همواره به صورت دسته‌جمعی و گروهی روزگار گذرانیده و حیات اجتماعی را بر زندگی فردی و ترجیح داده است. درباره علت یا علل آن، مطالب زیادی گفته‌اند. فارابی اندیشمند بزرگ اسلامی، علت این ترجیح را سعادت و کمال‌طلبی انسان می‌داند و بر این باور است که «زندگی بالاجتماع است که می‌تواند کمال انسانی را برایش به ارمغان آورد. هرچند زندگی انفرادی ناممکن نیست، لکن انسان را به سعادت محتوم و کمال مطلوب راهبر نتواند بود» (قاضی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱)؛ از این رو جامعه و شناخت و ویژگی‌های آن از دیرباز نظر اندیشمندان را جلب کرده است و گاه بر سر چیستی و ماهیت آن به گفتگو پرداخته‌اند و بر شناخت ویژگی‌های آن تأکید کرده‌اند و گروهی آن را موجود حقیقی و دارای ماهیتی مستقل و آثار ویژه می‌پندارند و جمعی بر اعتباری بودن آن پای فشرده و آن را جز جمع جبری افراد، چیز دیگری نمی‌دانند و آثار و ویژگی‌های آن را به افراد برمی‌گردانند؛ ولی همگان بر این باور اتفاق نظر دارند که همبستگی از ضرورت‌های اجتماع و امری حیاتی برای جامعه است و بدون آن، هیچ جمع و گروهی توان استحکام و استمرار ندارد. سر آن را باید در معنا و مفهوم همبستگی جستجو کرد. در فرهنگ علوم اجتماعی آمده است: «همبستگی به معنای احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که آگاهی و اراده داشته باشند. همچنین بستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها و به‌طور کلی یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آنان باشد و به زبان جامعه‌شناختی همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر. بر این اساس

همبستگی اجتماعی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کند و با عناصر وحدت بخش خویش تنطبق و هم‌نوایی یابد» (بیرو، ۱۳۷۵، ص ۴۰۰).

دورکیم همبستگی اجتماعی را نوعی نظم خودبنیاد اجتماعی و اخلاقی می‌داند که در آن افراد با هم پیوند یافته و هماهنگ هستند (دورکیم، ۱۳۶۹، صص ۷۳ و ۷۴). همبستگی و وفاق اجتماعی تنها مورد توجه جامعه‌شناسان نبوده و نیست، سران و گردانندگان جوامع و کشورها نیز آن را مهم و مطلوب دانسته‌اند و با روش‌های متفاوت سعی دارند آن را در جامعه ایجاد کنند. نویسنده کتاب آناتومی جامعه درباره این روش‌ها می‌نویسد: معمول‌ترین وسیله جلوگیری از تجزیه (ازهم گسیختگی) اعمال زور و فشار است. این روش عموماً چندان نتیجه‌بخش نیست و همبستگی ایجاد شده از این طریق، چندان پایدار نخواهد بود. کم اتفاق نمی‌افتد که برای جلوگیری از تفرقه و به‌وجود آوردن وحدت و همبستگی، در پی یافتن دشمن مشترک برمی‌آیند. از طریق پرورش حس ملیت، به وسیله مسابقه‌های ورزشی (به خصوص ورزش‌های جمعی و گروهی مثل فوتبال) متمرکز شدن، در مذهب می‌تواند در حد بالایی به وحدت و انسجام گروهی کمک کند. چون مؤثرترین و انسانی‌ترین وسیله ایجاد همبستگی، بالا بردن سطح آگاهی مردم، در جهت شناساندن ارزش‌های واقعی است که ارزش‌های مذهبی از آن دسته ارزش‌هاست (رفع‌پور، ۱۳۷۸، صص ۱۴۹-۱۵۵).

اما در اینکه چه عاملی در پیدایش همبستگی اجتماعی نقش دارد، امیل دورکیم «تقسیم کار اجتماعی»، تالکوت پارسونز «تعادل ارزش‌ها و محیط»، زیمل و کوزربر «ستیز و رقابت» را بیان می‌کنند. در میان متفکران اسلامی نیز فارابی بر «محبت» تأکید می‌کند و می‌نویسد: «عامل موجد همبستگی، محبت و عامل ثبات و پایداری آن عدالت است. وی معتقد است «در مدینه فاضله محبت در درجه اول با اشتراک در فضیلت حاصل می‌شود و اشتراک در فضیلت نتیجه عقاید و اعمال مشترک است؛ اما عقاید مشترک که سزاوار است اهل مدینه در آن اشتراک داشته باشند، عبارت‌اند از: الف) اشتراک در مبدأ؛ ب) اشتراک در منتهی؛ ج) اشتراک در بین مبدأ و منتهی. اشتراک عقیده در مبدأ، اشتراک در امر باری تعالی است و اشتراک عقیده در منتهی،

اتفاق در ارتباط با سعادت است و اشتراک عقیده در بین مبدأ و منتهی، اشتراک عقیده در مورد افعالی است که به واسطه آنها سعادت تحصیل می‌شود. چنانچه اهل مدینه فاضله در این اندیشه‌ها اتفاق نظر داشته باشند و این اتفاق نظر با افعالی که به واسطه آنها سعادت تحصیل می‌شود، تکمیل گردد، ضرورتاً محبت را در پی خواهد داشت» (فارابی، ۱۹۸۶م، ص ۷۰).

خواجه نصیرالدین طوسی نیز همانند فارابی محبت را عامل همبستگی می‌داند و می‌گوید: «محبت به وجود آورنده اجتماعی طبیعی بوده و برخورداری از وابستگی‌های عاطفی است که اصلی‌ترین عنصر از شاخصه‌های مهم در ایجاد همبستگی اجتماعی می‌باشد» (طوسی، ۱۳۶۲، ص ۲۵۸). استاد مصباح بر «عواطف و احساسات» تأکید دارد و بر این باور است که «عواطف در جامعه اسلامی محصول روابط متقابل اعضای جامعه در پرتو ایمان و اعتقاد به خدا و عمل به دستورات و قوانین دینی است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۹۴).

بنابراین نه تنها اهمیت انسجام و همبستگی غیرقابل انکار است، بلکه امری مطلوب و ضروری برای هر جامعه و جمعی است. حال هر کدام با شیوه و روش مورد نظر به سراغ آن می‌رود. با نگاهی گذرا در طول تاریخ شیعه، به‌خوبی دیده می‌شود که امت شیعی دارای وحدت و انسجام فکری و عملی بی‌نظیر بوده و هستند و این امر را در درجه نخست باید مرهون قیام غرورانگیز عاشورا دانست؛ چنان‌که خربوطلی در این باره می‌نویسد: «شهادت امام حسین علیه السلام در کربلا، بزرگ‌ترین حادثه تاریخی بود که منجر به تشکل و تبلور شیعه گردید و سبب شد که شیعه به‌عنوان یک سازمان قوی با مبادی و مکتبی سیاسی و دینی مستقل در صحنه اجتماع اسلام آن روز جلوه کند» (خربوطلی، ۱۳۵۷، ص ۷۳). نیکلسن نیز در این باره می‌گوید: حادثه کربلا حتی مایه پشیمانی و تأسف امویان شد؛ زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و برای انتقام حسین هم‌صدا شدند و صدای آنان در همه جا و مخصوصاً عراق و بین ایرانیان انعکاس یافت» (حسن ابراهیم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۶۵). «فیلیپ حتی» نیز می‌نویسد: «فاجعه کربلا سبب جان‌گرفتن و بالندگی شیعه و افزایش هواداران آن مکتب گردید» (حتی، ۱۹۹۴م، ج ۳، ص ۲۵۱).

در درجه دوم زیارت قبرسیدالشهدا که با همه مشکلاتش در هیچ زمانی متوقف نشد، در ایجاد این انسجام و همبستگی نقش مؤثری داشته است. این واقعیت را پس از سقوط دیکتاتور عراق همه جهانیان شاهد بوده و هستند؛ چه اینکه راهپیمایی عظیم و چندمیلیونی اربعین در سال‌های اخیر چیزی نیست که قابل انکار باشد؛ البته این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که فعالیت‌ها و کنش‌های کنشگران دارای دو نوع کارکرد است:

الف) کارکردهای آشکار: آن کارکردهایی هستند که برای شرکت‌کنندگان در فعالیت (کنشگران) شناخته شده و مورد انتظار است.

ب) کارکردهای پنهان: نتایج فعالیت‌هایی هستند که شرکت‌کنندگان در آن فعالیت از آن آگاه نیستند (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۷۴۹).

زیارت امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا سلام الله علیهم در ایام اربعین نیز دارای دو نوع کارکرد آشکار و پنهان است. کارکردهای آشکارش بسیار است که از جمله آنها زنده نگه داشتن یاد شهدا، احیای فرهنگ عاشورا، احیای فرهنگ ایثار و شهادت و از خودگذشتگی است؛ اما افزون بر کارکردهای مذکور که زائران از آن باخبرند و به قصد آنها، زیارت را انجام می‌دهند، کارکردهای پنهان نیز دارند که برجسته‌ترین آنها، اخوت و همبستگی گروهی و انسجام شیعیان است. این اخوت و همبستگی هم می‌تواند زمینه ظهور منجی عالم را فراهم سازد و مسیر برقراری و ایجاد حکومت واحد جهانی را هموار سازد، هم محبت و همدلی را در بین زائرین و وابستگان آنها بیشتر کند و امنیت روانی و آسایش مادی را به ارمغان بیاورد.

۲-۳. احیای ارزش‌های انسانی

بی‌تردید یکی از آثار بسیار مهم و اساسی نهضت پرافتخار حسینی علیه السلام، احیای ارزش‌های اسلامی و انسانی بود که از نیازهای کلیدی هر جامعه است. چنان که گفته شد ارزش‌ها یکی از عناصر برجسته و تأثیرگذار فرهنگ‌اند و فرهنگ نیز به مثابه هوایی است که بدون آن تنفس اجتماعی ممکن نخواهد بود و اگر در نگاه جامعه‌شناسان، فرهنگ

خشت‌های بنای اجتماعی است، ارزش‌ها ملاط آن خواهند بود؛ زیرا اجزا و عناصر فرهنگ تحت تأثیر مستقیم ارزش‌ها هستند و ارزش‌ها، باورداشت‌های ریشه‌داری‌اند که اعضای جامعه یا گروه هنگام برخورد با پرسش‌ها درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و امور مطلوب، آنها را در نظر می‌گیرند (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۴۸)؛ از این رو گروه‌های اجتماعی بدون آن دچار اختلال در گفتار و رفتار اجتماعی می‌شوند و به تعبیر دورکیم آنامی (سردرگمی) پدید می‌آید؛ چون ارزش‌ها چراغ هدایت هنجار (گفتاری - رفتاری) هستند و بدون آنها، اساساً جوامع توان شکل‌گیری و انسجام ندارند و بدیهی است اگر ارزش‌های موجود در جوامع، دینی باشند، موجب استحکام و استمرار زندگی اجتماعی برای اعضا آن خواهند شد؛ بدان جهت که ارزش‌های دینی با ثبات و غیرقابل تغییرند؛ چون مبتنی بر وحی هستند و در ذات خدا و اراده‌اش تغییر و تبدیل راه ندارد، برخلاف ارزش‌های اجتماعی که از ثبات و دوام کافی برخوردار نیستند، از آن نظر که متکی بر مقبولیت عامه و پذیرش غالب افراد جامعه‌اند. روشن است با تغییر امیال و خواسته‌های افراد، ارزش‌بودن خود را از دست خواهند داد و ارزش‌های دیگر جایگزین آنها می‌گردند؛ بنابراین از ثبات لازم برخوردار نیستند و دائماً در معرض دگرگونی‌اند.

البته دینی‌بودن ارزش‌ها منافاتی با اجتماعی شدن آنها ندارند و آن هنگامی است که ارزش‌های دینی را غالب افراد جامعه می‌پذیرند و رفتار و اعمال آنها بر پایه ارزش‌های دینی شکل می‌گیرد. چنین ارزش‌هایی از ثبات و دوام برخوردار خواهند بود، و گرنه هر ارزش اجتماعی‌ای نمی‌تواند به‌مثابه ارزش‌های دینی کارایی داشته باشد و افراد اجتماع را آسوده‌خاطر سازد؛ چراکه در ارزش‌های اجتماعی میل و خواسته گروه غالب ملاک است؛ اما در ارزش‌های دینی ملاک، انسانیت است و در فرهنگ دینی افراد از حقوق اجتماعی یکسانی برخوردارند؛ از این رو است که اجتماع دینی پایدارتر است؛ البته اجتماعی که فقط نام دین را یدک نکشد و دین و ارزش‌های دینی به‌خوبی و بدون تبعیض در آن اجرا گردند.

به این ترتیب ارزش‌های دینی برای جوامع انسانی، حیاتی و ضروری‌اند و بدیهی است احیای این ارزش‌ها سبب بالندگی جوامع و نشاط زندگی اجتماعی افراد آن جوامع

خواهد بود. بدون شک یکی از پیامدهای مهم و برجسته قیام عاشورا احیای ارزش‌های اسلامی و انسانی است. مشتاقان حسینی با زیارت شهید کربلا در طول سال به‌ویژه اربعین که جنبه گروهی بیشتری دارد، می‌توانند این ارزش‌ها را جامه وجود ببوشانند. در ادامه دو نمونه از این ارزش‌های انسانی و اسلامی را به‌اختصار می‌آوریم.

۳-۲-۱. احیای روحیه ایثار و شهادت

تاریخ زندگی اجتماعی بشر به‌خوبی گواهی می‌دهد انسان از ابتدای خلقت تا به امروز به شیوه‌های متعدد تلاش داشته خود را ابدی کند و شاید سرّش آن باشد که خالق این موجود پررمز و راز، خود وجودی لایزال و ابدی دارد و بشر که مخلوق آن وجود ماندگار است، فطرتاً تمایل دارد به ویژگی خالقش دست یابد و همانند او ماندگار و ابدی شود؛ از این رو در جامعه انسانی مشاهده می‌شود افراد از مرگ و فنا واهمه دارند و از آن رویگرداند و می‌کوشند به‌نوعی زنده و جاوید بمانند. خدای جاوید که از این میل باطنی بشر آگاه و خبیر بود، راه جاودانی را فراروی بشر نهاده و او را به سوی جاودانگی راهنمایی نموده و «شهادت» را به او هدیه داده و فرموده است «راه ماندگاری مرگ سرخ است»؛ آن را برگزینید تا صفت «احیاء» پیدا کنید، آنجا که فرموده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ» (آل عمران، ۱۶۹).

شهادت در فرهنگ و حیاتی ارزشی است که اگر در جامعه انسانی رخت وجود بر تن کند، نه تنها حقی نادیده گرفته نخواهد شد، بلکه جامعه و اعضای آن با امنیت خاطر به زندگی اجتماعی خود که جایگاه کسب معرفت و کمال و سعادت است، مشغول خواهند بود. یقیناً این امر، مطلوب هر طالب زندگی ابدی است و اگر امام خمینی علیه السلام شهدا را شمع محفل بشریت می‌داند و شهید مطهری، شهید را همچون شمع می‌داند که خود می‌سوزد ولی جامعه را در پرتو آن نورانی می‌کند، اشاره به این واقعیت دارند.

بی‌تردید چنین ارزشی برای هر جامعه‌ای، به‌ویژه جامعه اسلامی حیاتی است. امام حسین علیه السلام نیز با علم به شهادت و به شوق رسیدن به آن، ره کربلا را پیش گرفت و دیگران را نیز از این آگاهی، بی‌خبر نگذاشت؛ چنان‌که آن‌هنگام که ام‌سلمه از سفر

حضرتش ناراحتی کرد، فرمود: «من می دانم در چه ساعت و در چه روزی کشته خواهم شد و می دانم کدام شخص مرا خواهد کشت و از خاندان و یاران من کدام افراد کشته خواهند شد» (موسوی مقرر، ۱۳۶۸، ص ۵۸).

امام حسین علیه السلام با شهادت خویش، راه جاودانگی را به بشر آموخت و با خون سرخش نسخه آزادی آزادگان عالم را نگاشت و از فردای عاشورا، این ارزش اسلامی و انسانی احیا گشت و آنانی که از مقابله با عبیدالله بن زیاد، آن زاده مرجانه، واهمه داشته اند و تن به ذلت داده، از یاری فرزند کوثر سرباز زدند، نه تنها تن به ذلت ندادند، بلکه با شورش های متعدد عرصه را بر بنی امیه تنگ کردند و خود همچون شهید کربلا، رخت شهادت بر تن کردند. افرادی چون عبدالله بن عقیف ازدی نیز در همان مجلس جشن عبیدالله بر او نهیب زده، شوریدند و با افتخار شهادت را در آغوش گرفتند. ابن زیاد پس از عاشورا، در قصر دارالاماره نشست و مردم را به گونه عمومی به دربار پذیرفت. او دستور داد سر حسین علیه السلام را بیاورند و آن را پیش روی خویش نهاد و به آن می نگریست و پوزخند می زد و با چوب یا شمشیری که در دست داشت بر دندان های پیشین آن حضرت می نواخت. در این هنگام عبدالله بن عقیف ازدی، بر عبیدالله شورید و سرانجام به شهادت رسید. داستان شهادتش را شیخ مفید در ارشاد این گونه نقل می کند: عبیدالله بن زیاد وارد مسجد شد و از منبر بالا رفت و گفت سپاس خداوندی را که حق و اهل حق را آشکار ساخت و امیر مؤمنان یزید و گروه او را یاری داد و دروغگو، پسر دروغگو و پیروانش را گشت. همین که این سخن را گفت، پیش از آنکه جمله دیگر را ادا کند، عبدالله بن عقیف ازدی^۱ از جای برخاست و گفت: ای پسر زیاد! به راستی کذاب پسر کذاب تو هستی و پدرت و آن که تو را به کار گماشت و پدرش دروغگو است. ای دشمن خدا! فرزندان پیامبر را می کشید و بر فراز منبر مؤمنان، چنین سخنانی می گوید؟ ابن زیاد با شنیدن این کلمات خشمگین شد و پرسید: این سخنگو کیست؟

۱. او از شیعیان خوب و زاهد بود چشم چپش در جنگ جمل نابینا شده و چشم راستش را در جنگ صفین از دست داده بود. وی همواره در مسجد حضور می یافت و هر روز تا شب در مسجد مشغول عبادت بود.

عبدالله گفت: ای دشمن خدا من هستم. خاندان پاکی که خداوند، پلیدی را از آنان دور گردانیده، می کشی و باز هم گمان می کنی مسلمانی؟ ای وای، کجا هستند فرزندان مهاجران و انصار که از این طاغوت لعنتی که او و پدرش بر زبان پیامبر خدا لعنت شده‌اند، انتقام نمی گیرند؟ با شنیدن این سخنان، خشم ابن زیاد بیشتر شد، به گونه‌ای که رگ‌های گردنش ورم کرد؛ سپس گفت: این مرد را نزد من بیاورید. نوکران او، از هر سو پیش دویدند تا او را بگیرند؛ ولی بزرگان قبیله «ازد» که از عموزادگان او بودند به پا خاستند و او را از دست مأموران رها ساختند و از در مسجد بیرونش بردند تا به منزلش رساندند.

ابن زیاد دستور داد: بروید و این کور قبیله ازد که خدا دلش را نیز مانند دیده‌اش کور کرده است، نزد من آورید. هنگامی که او را خواستند بیاورند، قبیله ازد به کمک قبیله‌ای یمن در مقابل آنان ایستادند و جنگ سختی در گرفت و گروهی از آنها در این میان کشته شدند تا آنکه یاران ابن زیاد خود را به خانه عبدالله بن عقیف رساندند و پس از شکستن در خانه وارد شدند و پس از جنگ با او که با شمشیرش در مقابل آنان مقاومت می کرد، او را دستگیر کرده، به دارالاماره بردند. ابن زیاد گفت: گردن او را بزنید. گردنش را زدند و در سنجه او را به دار آویختند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۴).

بی‌شک چنین ایستادگی‌ای در مقابل ابن زیاد که پیش از این همه تسلیم او بودند و به استقبال مرگ و شهادت رفتن از آثار پربرکت شهادت سالار شهیدان است. وجود این روحیه که ریشه در ارزشی الهی و انسانی به نام شهادت دارد، در هر جامعه‌ای، خواب از چشم هر زیاده‌خواهی ربوده و دائماً در تلاطم خواهد بود و همواره می‌کوشند دنیاگرایی و عاقبت‌طلبی را رواج دهند؛ چون به‌خوبی می‌دانند در صورت وجود چنین صفت‌هایی، افراد دل‌در‌گرو دنیا و انباشت ثروت می‌نهند و زمینه هرگونه فساد و تباهی در جامعه فراهم می‌شود و صد البته جامعه آلوده، جولانگه مودیان زیاده‌خواهان و چپاول‌گران می‌شود و از هر سو هجوم می‌آورند تا راه کمال و سعادت افراد را مسدود کنند؛ ابتدا آنان را همانند فرعون، خار و خفیف می‌کنند و سپس در اسارت و بردگی خویش درمی‌آورد؛ چنان‌که قرآن در سوره زخرف می‌فرماید: «فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ».

زائران زیارت اربعین از همان اولین چله پس از شهادت سالار شهیدان تا به امروز که با شکوه و عظمت بی نظیر و مثال زدنی خود، نه با شعار و زبانی، بلکه با رفتار و کنش اجتماعی خود، اولاً به عالم و آدم در این عصر رنگ و نیرنگ، زر و زور و تزویر، نشان دادند که تنها و تنها نسخه شفابخش جامعه بیمار جهانی امروز، ایده و عمل شهیدی است که در سرزمین تف با خون سرخ خود و اصحابش، برای مشتاقان حقیقت و زندگی انسانی پیچیده است؛ ثانیاً این زائران اربعینی در تلاش هستند تا با حرکت از خانه و کاشانه بدون هیچ دغدغه و نگرانی از جسم و جان خود، علی رغم مشکلات همیشگی - چنان که در سال‌های اخیر تهدید مزدوران داعشی هم بوده که در پستی و دنائت از شمر و سنان و حکام ستمگر اموی کم ندارند - نشان دهند تنها این نسخه حسینی است که می‌تواند شفابخش باشد؛ پس آن را چراغ راه خود در مسیر زندگی خود قرار دادند.

۲-۲-۳. الگوی مبارزه و مقاومت

هر فردی در زندگی اجتماعی، همواره در پی یافتن الگوهایی است تا بتواند با پیروی از آنها به زندگی مطلوب و سعادت‌مند برسد و در این جهت تلاش می‌کند بهترین آن را برگزیند؛ به این دلیل که اشخاص در جامعه مثل هم می‌اندیشند و رفتار می‌کنند؛ به عبارتی از الگوهای رفتاری پیروی می‌کنند. «یک الگو چیزی است که ساخته می‌شود تا برای ساختن نمونه‌های دیگر سرمشق قرار گیرد» (نیک‌گهر، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵).

گاهی انسان‌ها به علت عدم آگاهی با معیارهای درست در انتخاب الگوی مناسب اشتباه می‌کنند و در نتیجه به جای رسیدن به مطلوب، با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. اسلام در جایگاه مکتبی که کمال و سعادت بشری را تضمین می‌کند، برای پیروان خود گروه مرجع (خاندان وحی) معرفی کرده است. شیعیان به آنان به‌عنوان افراد خاص ارزش می‌نهند و رفتار آنها را سرمشق خود قرار می‌دهند.

از آنجا که جوامع انسانی همواره شاهد درگیری و کشمکش‌اند، هر جامعه‌ای به الگوی نقش نیاز دارد تا افراد با بهره‌گیری از آن بتوانند رفتار مناسب انجام دهند و این همان نقش‌های نمونه در جامعه‌شناسی است که می‌گویند: «اشخاصی که افراد دیگر،

رفتار آنها را الگویی ارزشمند و شایسته تقلید می‌دانند یا افراد ارزشمندی که باید رفتار آنها را الگو قرار داد» (کونن، ۱۳۷۰، ص ۹۵).

اگر امام حسین علیه السلام می‌فرماید «فلکم فی اسوة» به این واقعیت اشاره دارد که این امام الگویی شایسته و ارزشمند است و قیام خونین او نقش نمونه‌ای است که انسان‌های آزاده آن را سرمشق قرار می‌دهند. حرکت عظیم مردمی در ایام اربعین علی‌رغم بایکوت‌های شدید حاکمان ستمگر و صاحبان رسانه، می‌تواند وجدان‌های بشری را بیدار کند و موتور محرکه قوی برای ایستادگی در مقابل زور و ستم باشد؛ چنان‌که آن حادثه دلخراش و شهادت سیدالشهدا علیه السلام در گذشته توانست الگوی حرکت قیام‌هایی چون قیام تواین در کوفه، انقلاب مدینه، قیام مطرف بن مغیره و قیام زید بن علی علیه السلام باشد. زیارت اربعین هم می‌تواند توجه‌ها را به کربلا و سالار شهیدان و نقشه راهی که حضرت شهید علیه السلام فراروی بشر قرار داده، جلب نماید. صد البته اربعین اضلاع وجودی گسترده دارد که این حرکت دسته‌جمعی، یکی از آن اضلاع است که ظهور و بروز کرده است. این حرکت نمادی است که از حقیقت نورانی‌ای به نام قیام الهی سیدالشهدا علیه السلام حکایت دارد.

۳-۳. ظهور قدرت نرم شیعه

قدرت نرم واژه‌ای است که در نظریه روابط بین‌الملل به منظور توصیف قابلیت یک مجموعه سیاسی نظیر دولت برای نفوذ غیرمستقیم بر رفتار یا علائق سایر مجموعه‌های سیاسی از طریق ابزارهای فرهنگی یا ایدئولوژیکی به کار می‌رود. تئورسین قدرت نرم، جوزف نای محقق امریکایی است. او نظریه خود را در این زمینه در سال ۱۹۹۰ در کتابی با عنوان ماهیت متغیر قدرت امریکا مطرح کرد.

قدرت نرم در واقع در برابر قدرت سخت معنا پیدا می‌کند. تأکید بر قدرت نرم با پیدایش و پرورش آن دسته از نظریه‌های روابط بین‌الملل که از تئوری‌های کلاسیک این حوزه فاصله می‌گرفتند، ضرورت پیدا کرده است. رهیافت‌های نئورئالیستی بر قابلیت‌های قدرت سخت دولت‌ها به‌ویژه توانمندی‌های نظامی و رشد اقتصادی آنها تأکید

داشتند. در مقابل این نظریات، رهیافت‌های نهاد‌گرای لیبرال بر جنبه‌های قدرت نرم شامل جاذبه فرهنگی، ایدئولوژی و نهادهای بین‌المللی به‌عنوان منابع اصلی تأکید کرده‌اند.

استراتژی‌های معطوف به قدرت سخت به لحاظ آرمانی در راستای پیشبرد منافع ملی بر مداخله نظامی، دیپلماسی قهری و تحریم‌های اقتصادی تمرکز دارند که به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با کشورهای همسایه منجر می‌شوند. در مقابل، استراتژی‌های معطوف به قدرت نرم در راستای رسیدن به راه‌حل‌های مشترک بر ارزش‌های سیاسی مشترک، ابزارهای مسالمت‌آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارند؛ قدرت نرم در هر کشور از سه منبع نشئت می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که در داخل و خارج مطابق انتظار آنها باشد) و سیاست‌های خارجی آن زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی می‌شود (سایت تحلیلی الف، ۲۶ فروردین ۱۳۸۶).

بی‌تردید، یکی از کارکردهای مهم مراسم راهپیمایی اربعین، بروز و ظهور پتانسیل و قدرت نرم عظیمی است که جامعه مسلمان به‌ویژه شیعه دارد؛ البته این کارکرد پنهان، زمینه را جهت اجرای فرائض بزرگی چون امر به معروف و نهی از منکر فراهم می‌سازد و دشمنان از این کنش اجتماعی الهی بسیار قوی در میان جامعه مسلمین بیمناک هستند. حضور بیست‌میلیونی مردم در این مراسم، قدرت نرمی است که غربی‌ها حتی از به‌تصویر کشیدن آن بیمناک هستند. در کشورهای غربی، به همه گروه‌ها و اقلیت‌های فکری و فرهنگی اجازه فعالیت می‌دهند؛ اما به تفکر عقلانی و ناب شیعی به دلیل متزلزل‌ساختن ساختار حاکمیت آنها، اجازه فعالیت نمی‌دهند و جلوگیری کردن از رسانه‌ای شدن مراسم عظیم اربعین در راستای همین سیاست است. از کارکردهای مراسم اربعین، شعار «یجمعنا الحسین ع» است. از دیگر کارکردها تولید مفاهیم ارزشی در بین جامعه اسلامی، تشکیل بسیج عمومی، کنش اجتماعی الهی، گسترش قدرت نرم انقلاب اسلامی، قدرت‌زدایی از تفکر سکولاریسم و افزایش وجه قدسی است.

در پایان یادآوری این نکته ضروری است که این قدرت نرم که خود ریشه در ذات

اربعین و عاشورای حسینی دارد و زیارت زائران آن را لباس وجود پوشانده است، خود نقطه عزیمتی است برای ایجاد جبهه مقاومت در اردوگاه شیعه؛ چون این حرکت میلیونی زائران درحقیقت نوعی مشق مقاومت است که در مسیر چند صد کیلومتری رسیدن به قرارگاه حسینی، سازوکار لازم جهت شکل‌گیری جبهه مقاومت را فراهم کرده است و در این حرکت بزرگ، تمرین مقاومت می‌کنند تا برای مقاومت جمعی آماده شوند و جبهه مقاومت را محقق کنند.

نتیجه‌گیری

برخی از جامعه‌شناسان، به‌ویژه در سال‌های اخیر، سعی دارند نشان دهند پدیده اجتماعی اربعین، در نگاه جامعه‌شناختی آنها جایگاهی ندارد و رفتار و کنش‌های اجتماعی را به دو دسته کنش‌های معطوف به هدف مادی و کنش‌های هیجانی خلاصه می‌کنند و به گمان آنان هرچه هست، در همین دنیای مادی خلاصه می‌شود؛ بنابراین کنش‌های معطوف به هدف انسان‌ها را مادی و این جهانی تلقی می‌کنند؛ دیدگاهی که ریشه در تفکر الحادی نیچه دارد که خدا را مرده می‌پندارد؛ اما نگارنده به اندازه توان خود نشان داده است کنش اربعینی عاشقان سیدالشهدا علیه السلام درحقیقت خط بطلانی است بر رویکردی که تکیه بر مبانی سکولاری و نیچه‌ای دارد؛ چون حرکت عظیم اربعین فریاد «خدا زنده است» را در همین دنیای غرق در گرداب مادیت و دنیاگرایی احیا کرده است. این فریاد بلند رفتاری و گفتاری، تمام مبانی تفکر سکولاریسم را متزلزل کرده است.

زیارت اربعین به‌عنوان یک واقعه تاریخی و یک عنوان کنش معطوف به هدف الهی، بن‌مایه فکری جامعه‌شناسی سکولار را به چالش کشیده است. در این تحقیق نشان داده شد اصل زیارت اربعین به‌عنوان یک عنصر شناختی از فرهنگ شیعی و اسلام ناب، به واسطه امام حسن عسکری نهادینه شد و شیعیان نیز با پیروی از خط رسمی که ائمه معصوم علیهم السلام ترسیم کردند، با حرکت و رفتار خود در مسیر ترسیم‌شده، آن عنصر شناختی و ارزشی را لباس وجود پوشاندند و هنجارمند کردند و در دهه اخیر نیز با کنش جمعی

خود به شکل هنجار اجتماعی عظیم به رخ جهانیان کشیدند، تا هم خودی‌ها متوجه کارکردهای بی‌بدیل آن شوند و هر سال با تکرار آن بر تثبیت و استحکام آن بیفزایند، هم دگران‌یشان بدانند که قدرت نرم شیعه ریشه در قدرت الهی دارد.

نکته مهمی که نباید از آن غافل شد، توانمندی فرهنگ ناب و حیانی است که در ایجاد حیات طیبه در همین عالم تأثیر دارد؛ چه اینکه اگر یک عنصر از عناصر شناختی آن می‌تواند این‌گونه جامعه بشری را متنعم به نعمت‌های مادی و معنوی کند، سایر عناصر شناختی و غیرشناختی دست‌نخورده این فرهنگ اگر لباس وجود بر تن کند، جامعه و اعضای آن چه دنیای زیبا و آخرت دل‌انگیزی خواهند داشت!

نکته اخیر می‌تواند هم برای اندیشمندان به‌ویژه عالمان دینی و همه کسانی که در کرسی علم و وعظ نشسته‌اند، تذکری قابل تأمل باشد؛ چه اینکه خداوند از ایشان تعهد گرفته است که به تبیین، ترویج و تبلیغ ارزش‌های و حیانی پردازند و اعضای جامعه اسلامی و جهانی را از سرچشمه زلال ارزش‌های الهی سیراب کنند و هم به دلدادگان سالار شهیدان توجه دهد که اولاً به سراغ فهم تفکر و اندیشه حسینی علیه السلام بروند و راه سعادت را در نسخه شفا بخش او جستجو کنند و ثانیاً نسخه کامل ترسیم‌شده به دست سیدالشهداء علیه السلام را که چیزی جز اسلام ناب نیست، در نظر قرار دهند. نه آنکه فقط به بخشی از آن عمل کنند و بخش اعظم دیگر آن را نادیده بگیرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن قولویه. (۱۳۹۹). کامل الزیارات (مترجم: امیر و کیلیان). قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. استروس، لوی. (۱۳۵۸). نژاد و تاریخ (مترجم: ابوالحسن نجفی). تهران: انتشارات پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
۳. بیرو، آلن. (۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: باقر ساروخانی). تهران: انتشارات کیهان.
۴. جامعه خبری تحلیلی الف. (۲۶ فروردین ۱۳۸۶). قدرت نرم، مبانی و ویژگی‌ها. برگرفته از: <https://b2n.ir/n/76133>
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۷). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی. قم: نشر اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (بی تا). جزوه درس خارج فقه. به تقریر نگارنده.
۷. حتی، فیلیپ. (۱۹۹۴م). تاریخ العرب (ج ۳). بیروت: انتشارات دار غندوز.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). وسائل الشیعه (ج ۱۴). [بی جا]: منشورات مکتب اسلامیة.
۹. حسن ابراهیم، حسن. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی اسلام (ج ۱، مترجم: ابوالقاسم پاینده). تهران: انتشارات جاویدان.
۱۰. خربوطی، علی حسینی. (۱۳۵۷). انقلاب‌های اسلامی (مترجم: عبدالصاحب یادگاری). تهران: کانون انتشاراتی چهره اسلام.
۱۱. دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی (مترجم: باقر پرهام). تهران: نشر کتابسرای بابل.
۱۲. رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. شیخ طوسی. (۱۳۸۲ق). تهذیب الاحکام. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۴. شیخ طوسی. (۱۴۱۱ق). مصباح المتهدجد (ج ۲). تهران: المکتبه الاسلامیه للنشر والتوزیع.

۱۵. شیخ مفید. (۱۴۰۹ق). المزار. قم: انتشارات مدرسه امام المهدی علیه السلام و دیگران.
۱۶. شیخ مفید. (۱۴۱۳ق). ارشاد (مترجم: سیدهاشم محلاتی). تهران: نشر مؤسسه آل‌البیت.
۱۷. طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۶۲). اخلاق ناصری (مترجمان: مجتبی مینوی و علیرضا حیدری). تهران: نشر خوارزمی.
۱۸. فارابی، ابونصر. (۱۹۸۶م). فصول منتزعه. بیروت: دارالمشرق.
۱۹. قاضی، ابوالفضل. (۱۳۸۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. کوئن، بروس. (۱۳۷۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی (مترجم: محسن ثلاثی). تهران: فرهنگ معاصر.
۲۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۲). جامعه و تاریخ در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن (ج ۳). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۴. موسوی مقرر، عبدالرزاق. (۱۳۶۸). چهره خونین حسین (مترجم: عزیزالله عطاردی). بی‌جا: انتشارات جهان.
۲۵. نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۸۷). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: نشر توتیا.

References

* The Holy Quran

1. Analytical news society a. (1386 AP). *Soft power, basics, and features*. Retrieved from: <https://b2n.ir/n76133>. [In Persian]
2. Biro, A. (1375 AP). *Culture of Social Sciences* (Saroukhani, B, Trans.). Tehran: Keihan Publications. [In Persian]
3. Coen, B. (1370 AP). *An Introduction to Sociology* (Thalathi, M, Trans.). Tehran: Contemporary Dictionary. [In Persian]
4. Durkheim, E. (1369 AP). *About the division of social work* (Parham, B, Trans.). Tehran: Babol Bookstore. [In Persian]
5. Farabi, A. (1986). *FosulMuntaza'ah*. Beirut: Dar al-Mutashreq.
6. Giddens, A. (1374 AP). *Sociology* (Sabouri, M. Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
7. Hassan Ibrahim, H. (1366 AP). *Political history of Islam* (Vol. 1, Payandeh, A, Trans.). Tehran: Javidan Publications. [In Persian]
8. Hitti, P. (1994). *History of the Arabs* (Vol. 3). Beirut: Ghondouz Publishing House.
9. HorAmeli, M. (n.d.). *Al-Wasa'il al-Shia*. (Vol. 14). Manshurat Maktab Islamiyah.
10. IbnQoulevyeh. (1399 AP). *Kamel al-Ziyarat*. (Vakilian, A, Trans.). Qom: Islamic Publication Office of Qom Seminary. [In Persian]
11. JavadiAmoli, A. (1397 AP). *The prosperity of intellect in the light of Hosseini's movement*. Qom: Esra Publishing House. [In Persian]
12. JavadiAmoli, A. (n.d.). *KharijFiqh*. According to the author. [In Persian]
13. Kharbouti, A. (1357 AP). *Islamic Revolutions* (Yadegari, A, Trans.). Tehran: Face of Islam Publishing Center. [In Persian]
14. Mousavi Moqaram, A. R. (1368 AP). *Hossein's bloody face* (Atarodi, A, Trans.). Jahan Publications. [In Persian]
15. Mesbah Yazdi, M. T. (1372 AP). *Society and history in the Qur'an*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.

16. Mesbah Yazdi, M. T. (1378 AP). *Ethics in the Qur'an* (Vol. 3). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.[In Persian]
17. NikGohar, A. (1387 AP). *Principles of Sociology*. Tehran: Toutia Publications. [In Persian]
18. Qazi, A. (1380 AP). *Fundamental rights and political institutions*. Tehran: Tehran University Press.[In Persian]
19. Rafipour, F. (1378 AP). *Anatomy of society*. Tehran: Intishar Company.[In Persian]
20. Sheikh Mufid. (1409 AH). *Al-Mazar*. Qom: Publications of Imam al-Mahdi School and others.[In Arabic]
21. Sheikh Mufid. (1413 AH). *Ershad* (Mahalati, S. H. Trans.). Tehran: Alulbayt Institute Publications.[In Arabic]
22. Sheikh Tusi. (1382 AH). *Tahdib al-Ahkam*. Beirut: Dar al-Ta'aruf le al-Matbu'at.[In Arabic]
23. SheikhTusi. (1411 AH). *Misbah al-Mutahajed*. (Vol. 2). Tehran: Al-Maktabeh Al-Islamiya le al-Nashr va al-Tawzi.[In Arabic]
24. Strauss, L. (1358 AP). *Race and History* (Najafi, A, Trans.). Tehran: Publications of the Research Institute of Communication Sciences and Development of Iran.[In Persian]
25. Tusi, KH. N. (1362 AP). *AkhlaqNaseri*. (Minavi, M., &Heydari, A. R. Trans.). Tehran: Kharazmi Publications.[In Persian]